

درسی که باید از دیگران بیاموزیم

چرا مردم کشورهای متمدن از نظم و عدالت برخوردارند؟

بیانویکی از آلات موسیقی است که نوازنده را هر قدر هم که بی اطلاع باشد، مایوس نمیکند و همینقدر که انگلستان خود را روی پرده‌ها بگذارد صدائی مطبوع بکوش میرسد، ولی این صدارا موسیقی نمیگویند و از آن طرفی نمی‌بندند و روح شوین و بتهوون از آن نمودار نمیشود؛ باید این انگلستان بایک نظم و توالی و موافق قواعد مسلم موزیک بکار افتند؛ نانتی و آوازی بوجود آید؛ عجب است که اگر مختصر رهش و خدشه در دست نوازنده راه یابد او را نادان و نرسیده تشخیص میدهند و عمل او را غلط و ناصحیح میگویند،

بنا بر این اگر نظم توالی و قواعد مقررہ رعایت نشود، کاری بدخواه انجام نیافته و امری مشوش و بی فایده صورت گرفته؛ کاریک خانه یک شهر یک مملکت بهین منوال است؟ باید مجموع کارها هماهنگ و منضبط باشد تا گفته شود خانه-شهر یک مملکت منظم است:

البته مطلق نظم و هماهنگی غایت مطلوب نیست، باید آن روال و روش سنجیده و موافق عقل و مصلحت باشد در انگلستان که بیست و پنج روز بالضرورة برای دیدن طبیب و عکس برداری و تجربه باین طرف و آن طرف میرفتم، میدیدم و تشخیص می‌دادم که همه چیز بادوراندیشی و دقت تنظیم شده است اتومبیل و وسائل نقلیه مقداری سرعت دارند که از آن تجاوز نمیشود.

عابرین در نقاط مخصوص می‌توانند عبور کنند، روشنائی چراغها در روز و شب تقریباً یکسان است، صداها از حد لزوم بلندتر نیست؛ عربده



واشتم نایاب است؛ مغازه‌ها در ساعات گذشته و در ساعات بسته می‌شوند، درختها بوسیله میله‌های چوبی و آهنی حمایت شده، راست و موزون هستند.

در مهمانخانه‌ای که ما منزل داشتیم بایک مقررات تغییر ناپذیر نظیف و اداره میشد مریضخانه‌های مجهز با اطبای مراقب و لوازم جراحی و عکس برداری و معاینه آماده کارند.

ساعت‌های وعده داده شده بدون تخلف رعایت میشود، مردم از جان و مال خود را مانند؛ پلیس و عدالتخانه راحتی و آسایش و ایفای حقوق مردم را زیر نظر دارند؛ اقتصادی مملکت در دست خبره‌های ورزیده و بی لغزش اداره میشود، مسئله دزدی؛ گران‌فروشی و رشوه اصلاً مورد بحث نیست و مباشر آن فوراً تنبیه میشود. تبعیض در حقوق اجتماعی - استخدای وجود ندارد و غیره و غیره و به همین دلیل است که سی میلیون ساکن این جزیره راضی و شاکرند و هر کس بدنبال کار خود میرود و مزاحم دیگران نیست من از انگلستان حرف میزنم برای این که اتفاقاً با نجارفته بودم و الا تمام دور غربی کم و بیش از این نظم و عدالت اجتماعی برخوردارند و شاید در سوئد - نروژ - سوئیس - آلمان بلژیک و هلند این طرز زندگی مساوی. یا بهتر است و اختصاص به انگلستان ندارد.

وقتی شخص بررسی و تحقیق می‌کند؛ این مزایا از ملت ناشی شده و حکومت از آنها سرپرستی کرده و با تقوا و درستی نگاهداری و راهنمایی میکند. این ملت است که شهر را آباد نگاه میدارد و مریضخانه و دستکاه بهداشتی عظیم روی کار می‌آورد و معارف و تجارت را رونق و رواج میدهد. ما میگوئیم که فلان منصفی کار یاد دست و رشوه خوار است، ولی نمیگوئیم که این فرومایگان بی شخصیت، چرا رشوه میدهند!

ما میگوئیم شهر دار بها قادر بجلو گیری از بالا رفتن مایحتاج مردم نیستند و گرانفروشی رواج دارد ولی نمیگوئیم آن خریدار بی خون و عصب چرا جز ناله، چیزی دیگری بلد نیست و آن اراده را ندارد که با این تعدیها مبارزه کند؟

اگر کوچه آلوده و کثیف است، مردم روزها با انتظار رفته گرمی - نشینند و هرگز باین خیال نمی‌افتند که با سطل این خاک رو به راجم کنند بجای مراقبت از درخت و نمای خانه‌ها آرامی شکنند و در روی بنای سفید باذغال (باد بود و یاد کاری) مینویسند مردی یکی دو میلیون خرج خانه می‌کند و در بیخ دارد و هزار تومان کوچه مجاور را آباد کند همه کس و همه جا انتظار دارند که حکومت؛ یعنی ده پانزده نفر اشخاص مشابه خودشان، تمام این حوامج را عهده‌دار شود؛ باین غیرتی قبول تعدی میکند و بنوبه خودش بزرگستان متعددی و متجاوزا است. اینجا همه آن سیمهای تار است

که ناکوک و ناموزون است محال است موزیکی مسلایم و شیرین از این
پراکنندگی بوجود آید .

مردخیر خواه و خردمندی ابتکار و فکر میکند، این فکر میلیون ها
نفر مجری و حامی لازم دارد مملکت بزرگ است و حوائج مترکم و انباشته
دارد اگر آن انجام دهند، مخرب باشد چه باید کرد؟ ساز را باید کوک کرد
یعنی هم آهنگی بوجود آورد می گویند مشکل است - اعتراف می کنیم که
مشکل است ولی غیر ممکن نیست این ملت تیزهوش ایرانی بارها خود را
آراسته است. ولی بدبختانه این آراستگی ادامه نداشته؛ زیرا با نظم و
ترتیب توأم نبوده، یعنی مردها در خانه، اداره در مدرسه و در اجتماع بنظم
و ترتیب پرورش نیافته اند و پیش روی آنها نتیجه ذوق و اتفاق بوده
مولود نظم و ترتیب و بنا بر این تکیه گاه آهنگین نداشته و بدفعات فرو
ریخته از نو شروع شده است .

باید معتقد بود که نظم انگلستان است که موزیک آسمانی را بکار
می اندازد و باید اول در خانه، دوم در مدرسه و سوم در اجتماع شالوده
ریزی نظم و انضباط بوجود آید؛ همه کس و همه جا پای بند آنها باشد،
بنوبه خود مراقبت و کمک کنند و در انحراف از آنها مقاومت و سرسختی
کنند و خاطی را نبخشند، تا انشاء الله کارها سر و سامانی گیرد .

شهره شکارگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گلر خان
رتال جامع علوم انسانی

بین بر سر خاکم چمنی ساخته اند

چمنی بر سر خولین کفنی ساخته اند

ضایع نکند رنج عزیزان بشنو

که چها در صفت کوهکنی ساخته اند

این بدانید نسب عاشق و معشوق بکیست

این فصولان صنم و برهنی ساخته اند

چراغیست در این خانه و از پرتو آن

هر طرف می نگریم انجمنی ساخته اند

با بافغانی